

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جواز طلب شفاعت

از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام

و بطلان تفویض

بضمیمه دو مقاله

نقدی بر کتاب نقد وهابیت و قیام حضرت زهرا علیها السلام



مؤلف

آیت الله شیخ ماجد کاظمی

ترجمه مؤسسه الدفاع عن مذهب اهل البيت علیهم السلام

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: کاظمی، ماجد، ۱۳۳۷ -
عنوان قراردادی	: جواز طلب الشفاعة من النبي صلى الله عليه وآله وسلم والائمة الاطهار عليهم السلام و بطلان التفويض، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: جواز طلب شفاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیه السلام و بطلان تفویض بضمیمه دو مقاله نقدی بر کتاب نقد وهابیت و قیام حضرت زهرا/ مؤلف ماجد الکاظمی؛ ترجمه موسسه الدفاع عن مذهب اهل البيت عليهم السلام.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۰ ص: ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۷۲-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شفاعت (اسلام) * Intercession (Islam)
	توسل Invocation
	غلاة شیعه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها
	Shiite extremists -- Controversial literature*
	شیعه -- دفاعیه‌ها Shi'ah -- Apologetic works
شناسه افزوده	: موسسه الدفاع عن مذهب اهل البيت عليهم السلام
رده بندی کنگره	: BP۲۲۲/۷
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۷۴۱۰۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

نام کتاب	: جواز طلب شفاعت از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ و بطلان تفویض بضمیمه دو مقاله نقدی بر کتاب نقد وهابیت و قیام حضرت زهرا
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: آیت الله شیخ ماجد کاظمی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۱
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۷۲-۹
قیمت	: ۸۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند. منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

## فهرست

### جواز طلب شفاعت از پیامبر اکرم ﷺ وائمه اطهار علیهم السلام وبطالان تفویض..... ۷

۸.....	مقدمه
۱۲.....	صفات شیعیان در کلام اهل بیت علیهم السلام
۱۵.....	علی علیهم السلام و شیعیانش رستگارند.....
۱۷.....	جواز توسل از طریق شفاعت و رد نظر وهابیت.....
۱۷.....	اقسام توسل.....
۱۸.....	بررسی اقسام توسل.....
۲۳.....	نواصب.....
۲۴.....	دشمن علی علیهم السلام دشمن خدا و رسول است.....
۲۵.....	کسی از علی علیهم السلام متغیر نیست مگر منافق کافر.....
۲۶.....	منکر علی علیهم السلام و فرزندانش به آتش سوزان در می شوند.....
۲۸.....	شفاعت نصیب ناصبی نمی شود.....
۲۹.....	حرمت قسم پنجم.....
۳۰.....	بررسی قسم ششم.....
۳۴.....	ادله جواز قسم ششم و جواب آن.....
۳۹.....	دسیسه در دعای فرج!.....
۴۲.....	مقتضای قاعده‌ی ثانویه.....
۴۲.....	بطالان تفویض.....
۴۳.....	کلمات برخی از فقهای امامیه در رد تفویض.....
۴۵.....	علامه مجلسی در شرح معانی تفویض می فرماید.....
۴۷.....	کلام امام خمینی.....
۴۷.....	ادله قرآنی بر نفی تفویض.....
۵۱.....	سخن ایت الله حائری.....
۵۱.....	درباره‌ی تفویض باذن الله تعالی.....
۵۵.....	ولایت تکوینی.....
۵۵.....	اهل بیت علیهم السلام معدن علم هستند.....
۵۵.....	ولایت تکوینی غیر از علم می باشد.....

- ۵۶..... استدلال صاحب المیزان
- ۶۳..... الاستدلال بآیه انی اخلق من الطین
- ۶۴..... روایات دال بر تفویض و پاسخ آن
- ۶۵..... استدلال به روایت و الخلق صنایع لنا
- ۶۵..... استدلال به روایت محمد بن سنان
- ۶۶..... بطلان ولایت تشریعی
- ۶۹..... استدلال به خبر مشارق الانوار
- ۷۲..... استدلال به فقراتی از زیارت جامعه کبیره
- ۷۷..... استدلال به روایت ما اسمایی حسنی هستیم
- ۷۸..... استدلال به مرسله محمد بن صدقه
- ۷۹..... استدلال به مرسله کراچکی
- ۸۱..... استدلال به خبر لا فرق بینک و بینها
- ۸۴..... غلات
- ۸۵..... هشدار معصومین علیهم السلام در مورد غلو و غلو کنندگان
- ۸۶..... احادیث در بطلان غلو و رد بر غلات
- ۸۶..... در مورد نفی ربوبیت از اهل بیت علیهم السلام
- ۸۷..... در نفی مقام پیامبری از آنها
- ۸۸..... نفی علم غیب از اهل بیت علیهم السلام
- ۸۸..... و اینکه علم آنها به تعلیم خداوند است
- ۹۰..... غلو کنندگان، عظمت و بزرگی خداوند را سبک شمردند
- ۹۱..... بر سود و زیان قادر نیستیم!
- ۹۳..... مفوضه دشمنان خدا!
- ۹۳..... وای بر کسی که بما افترا زند
- ۹۴..... غلات مخالفان ما هستند
- ۹۵..... غلات فاسق و مشرک و کافرند
- ۹۶..... غلات شرورترین خلق خدایند
- ۹۶..... شفاعت پیامبر شامل غالی نمی شود

- امیر المؤمنین (علیه السلام) از غلات تبری می کند ..... ۹۷
- آنها از ما نیستند و ما هم از آنها نیستیم ..... ۹۷
- دو طایفه از امت مرا بهره‌ای از اسلام نیست ..... ۹۷
- از غلات تبری کنید ..... ۹۸
- الامام الرضا (علیه السلام) يتعبد الله بالبراءة من الغلات ..... ۹۹
- ولایت به معنای حاکمیت و امامت ..... ۱۰۱
- تفویض در نظر صوفیه! ..... ۱۰۱

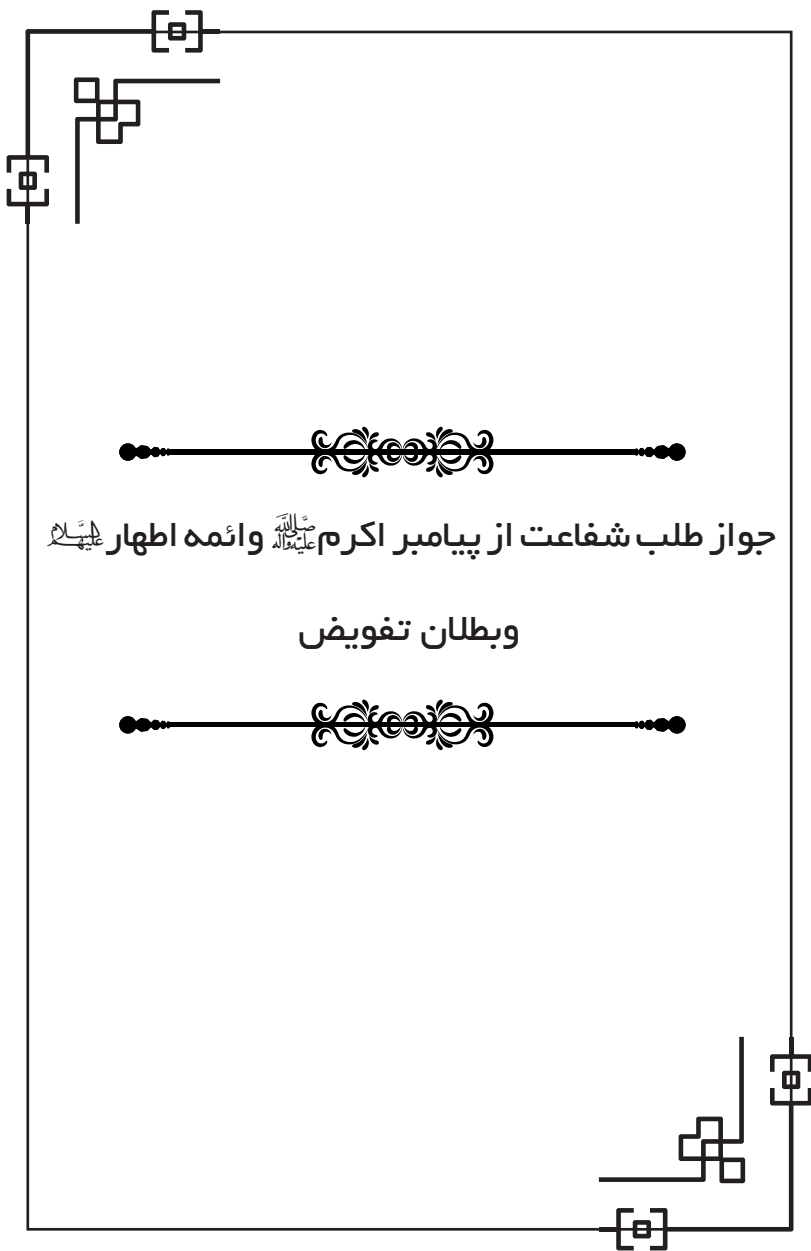
### **مقاله اول: نقدی بر کتاب نقد و هایت ..... ۱۰۳**

- یادداشت اول: درباره ادعای ولایت تکوینی ..... ۱۰۵
- یادداشت دوم: درباره شفاعت ..... ۱۰۷
- یادداشت سوم: در مورد درس سیزدهم ..... ۱۰۸
- درباره ادعای ولایت تکوینی ..... ۱۱۰
- ادعای توانایی تخلیه و خروج روح از بدن ..... ۱۱۰
- ادعای چشم برزخی داشتن ..... ۱۱۰
- استدلالی دیگر ..... ۱۱۳
- یادداشت چهارم: در مورد مؤثر ظلی و تبعی ..... ۱۱۴
- یادداشت پنجم: درباره استغاثه ..... ۱۱۴
- یادداشت ششم: درباره سوگند به غیر خدای متعال ..... ۱۱۷
- یادداشت هفتم: درباره حقیقت بدعت ..... ۱۱۷

### **مقاله دوم: قیام حضرت زهرا (علیها السلام) و فریاد آن در دفاع از ولایت ..... ۱۲۳**

- قیام حضرت زهرا (علیها السلام)، و فریاد آن در دفاع از ولایت (۱) ..... ۱۲۵
- منابع شیعه ..... ۱۲۷
- منابع اهل تسنن ..... ۱۳۰
- خاتمه ..... ۱۳۱

### **منابع ..... ۱۳۵**



### مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که استعمار پیر انگلیس ۳۰۰ سال پیش پس از تأسیس وزارت مستعمرات، مذاهب متعددی را برای تجزیه و جدایی امت اسلام تشکیل داده و در همین راستا مذهب وهابیت را در میان اهل سنت اعراب ایجاد کرد و نقش اصلی این فرقه خبیث را در از بین بردن وحدت امت اسلامی و تکفیر کردن و کشتن پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام تعریف نمود. همین‌طور نیز استعمار مذاهب ضاله بابیه و بهائیت و شیخیه را در میان شیعه ایجاد کرد. این فرقه و کسانی که ایده‌های اینها را به کار می‌گیرند مأموریت خود را ترویج افکار گمراه کننده و منحرف در زمان ما قرار دادند که برای آگاهی از تفکرات این فرقه می‌توان به کتاب‌های آنها مانند ارشاد العوام و شرح زیارت شیخ احمد احسائی - که در واقع نه احسائی است و نه عرب بلکه أصالتاً کشیشی انگلیسی همان‌طور که در بعضی از اسناد تاریخی نیز آورده شده است<sup>۱</sup> - مراجعه نمود.

۱. اودارد براون انگلیسی در کتاب «معمای جهان» World's Cross - word که آخرین کتاب او در افشای نقشه های مرموز انگلیسیان در جهان است، او را أصالتاً کشیشی انگلیسی معرفی کرده که نام اصلی‌ش Aidan Ahoskie (ایدن اِه‌اسکی) بوده و سپس آنرا به «احمد احسائی» تغییر داده و فارسی و عربی را نیکو، چون زبان مادری یاد گرفته و وارد احساء (مابین حجاز و بحرین) شده و شجره نامه‌ای جعلی برای خود وضع کرده که مدتها مورد مناقشه و تکذیب اهالی بحرین و حجاز و احساء بوده و اصلاً برخی از اسامی موجود در آن - بعنوان پدران و اجدادش! - وجود خارجی نداشته اند... و پس از احمد احسائی مؤسس این مذهب، شاگرد او کاظم رشتی (درگذشته در ۱۲۵۹هـ) (روسی الأصل تزاری - که به دروغ ادعای سیادت و انتساب به سادات رشت را نمود - چون چهره‌ای سرخ و سفید و همانند شمالیان ایران داشت!) و پس از وی حاج محمد کریم خان قاجار کرمانی، جانشین او شدند.

در اصطلاح شیخیه، احمد احسائی را «شیخ جلیل» خوانند و چون نام مستعار او «احمد» بوده، او را «ظههور آسمانی حضرت محمد» در این دوران می‌دانند (زیرا در بعض روایات ما شیعیان آمده که نام مبارک آن حضرت در آسمان‌ها «احمد» و در زمین «محمد» است. همچنین، شیخ ادعا می‌کرده که روح امام زمان علیه السلام در کالبد وی حلول کرده و با زبان او سخن می‌گوید و با دست او کتاب می‌نویسد!! او ادعا داشته که از همگی علوم آگاهی دارد!! احمد احسائی کتاب‌هایی بسیار در فلسفه و کلام و فقه و تفسیر و ادب به زبان عربی که بالغ بر نود جلد می‌شود، نگاشت؛ که عبارات اغلب آنها پر از غلط‌های نحوی و گرامری است!! و نشان می‌دهد که او أصالتاً عرب نبوده و درس منظمی هم نخوانده است.

جانشین وی کاظم رشتی (روسی الاصل) (۱۲۱۲ - ۱۲۵۹هـ) بود. او خود را سید کاظم بن قاسم حسینی رشتی گیلائی حائری یعنی کربلایی نامید و ادعا کرد که اجدادش از اشراف سادات حسینی مدینه بوده‌اند و دو نسل بوده که ایرانی شده بودند!! و شجره نامه او نیز - مانند شجره پدر و اجداد استادش شیخ احمد - جعلی از آب درآمد و



آنچه لازم و ضروری به نظر می‌رسد این است که در مقابل این همه توطئه‌های استعماری نباید دست بسته بنشینیم و عکس‌العملی نشان ندهیم. همان‌طور که آنان به دنبال تخریب امت اسلامی و تحریف حقیقت اسلام و حقیقت تشیع که همان اسلام ناب است را خواهانند و خط فکری خود را در راستای نمایش تشیع به عنوان مظهر بدعت و خرافه سوق می‌دهند، همانند ترویج قمه زنی به نام شعائر حسینی و نمایش تشیع به عنوان مظهر خدا شمردن اهل بیت علیهم السلام<sup>۱</sup> و نیز نمایاندن شیعه به عنوان مظهر صوفی‌گری و ترویج افکار صوفیه به اسم اسلام و تشیع<sup>۲</sup>، و نیز خواستار جنگ و مبارزه بین مذاهب مختلف اسلامی هستند و در حال حاضر وهابیت، داعش و طالبان این کار را می‌کنند.

ترس بسیار استعمار از تشیع بر کسی پنهان نیست و این بخاطر تفاوت‌ها و امتیازاتی است که شیعه نسبت به سایر فرق اسلام دارد؛ از جمله اینکه حقانیت شیعه همواره با دلیل و برهان ثابت است و استدلال بر حقانیت آن در کتب شیعه و سنی بسیار است و دیگر اینکه شیعه در طول تاریخ در عین مظلومیت همیشه مقتدر و سربلند و عزیز بوده است و هر کسی که با شیعه آشنا شود به آن علاقه مند می‌شود و در راه آن فداکاری می‌کند و دیگر وجه تفاوت اینکه علمای شیعه از قدرت علمی و هیبت قلبی و شجاعت معنوی برخوردارند و همه اینها

مورد تکذیب علماء انساب واقع شد. او می‌گفت: جدّش سید احمد بعثت شیوع طاعون از مدینه گریخته و به رشت رفته است!! وی در اصطلاح شیخیه ملقب به «سید نبیل» است. فرقه رشتی نیز در پی همکاری مشترک روسیه با انگلستان، در راستای ایجاد اختلاف و شکاف در میان شیعیان منطقه خاور میانه ایجاد شدند.

۱. همان‌طور که در دعای دیگری به اسم ناد علیاً آمده است با اینکه اصلاً این روایتی نیست بلکه اول آن شعری که متعلق به عکرمه و ایشان مرسلاً نقلش می‌کند. علامه مجلسی در ذیل بیت دوم این شعر در ج ۲۰، ص ۷۳ کتاب بحار می‌نویسد «این جمله نسبت به مطلب قبل بی‌ربط می‌باشد و با آن سازگاری ندارد و ظاهراً این مطلب از اضافات برخی از جهال یا صوفی‌های گمراه می‌باشد که گمان می‌کنند این ابیات دعا می‌باشند و لذا به عنوان ورد و ذکر آن را تکرار می‌کنند با غفلت از اینکه چه معنایی دارد. حفظنا الله عن البدع والاتباع الاوهاء» در ادامه این دعا مطالبی وجود دارد که بوی افکار علی‌اللهی می‌دهد در حالی که این مطالب هیچ ربطی به تشیع ندارد و باعث مشوش کردن مذهب اهل بیت می‌شود.

۲. جالب است که مراسم ختم سوره انعام به همان صورتی که در بین بعضی از مناطق رایج است از بدعت‌هایی است که صوفیه آن را بوجود آوردند (به کتاب جامع الفوائد تألیف حبیب ارومیه‌ای افشاری، انتشارات ارومیه - قم است مراجعه کن و روایتی از ائمه معصومین علیهم السلام نیز در مورد آن اصلاً وارد نشده است بلکه از روش‌های بزرگان صوفیه است.

را استعمار کاملا واقف است و لذا سربازانی از شیاطین را برای جنگ با تشیع و تحریف حقیقت آن و جنگ با علمای مجاهد آن، آماده کرده است. بنابراین وظیفه علمای حوزه علمیه و مراکز تبلیغ حفاظت از پاکی تشیع و زیبایی و حقانیت آن است و باید در مقابل هر آنچه سبب ضعیف شدن و اتهام شیعیان به منحرف بودن و کفر می‌شود، بایستند و همه موانعی که مانع شناخت میلیون‌ها مسلمان غیر شیعی از این مکتب متعالی اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود را رفع کنند خصوصا با توجه به کثرت حمله‌ها و ادعاهای غیر منطقی بر علیه شیعه در زمان حاضر. پیش از ورود در موضوع اصلی خود که جواز طلب شفاعت و بطلان تفویض است لازم است با ماهیت شیعه و آنچه در مورد آن در احادیث وارد شده آشنا شویم: شیعه در لغت، پیروان و یاوران یک شخص است و جمع آن شیعیان و اشیاع است و گفته می‌شود از او پیروی کرد، همچنان که گفته می‌شود با او موالات و همبستگی نمود.<sup>۱</sup>

ابن فارس گفته است: شیعه دو معنای ریشه‌ای دارد، یکی بر یاری دلالت دارد و دیگری بر پخش و گسترش. اینکه می‌گویند فلانی وقتی بیرون رفت، دیگری او را مشایعت کرد، از معنای اول است.<sup>۲</sup>

«شیعه» از نظر لغت به معنای گروهی است که از فردی در مسأله و یا مسایلی از روی اعتقاد و علاقه قلبی، پیروی کنند و به همین جهت «امام حسین علیه‌السلام» به لشکریان «عمر سعد» در کربلا «شیعه آل ابی سفیان» اطلاق کرده و می‌گوید: «یا شیعه آل ابی سفیان! ان لم یکن لکم دین فکونوا احرا را فی دنیاکم». «ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید پس آزاد مرد باشید».

و از نظر عرف و اصطلاح مسلمانان، تنها به پیروان «علی بن ابی طالب علیه‌السلام» اطلاق می‌شود و پیروان «علی علیه‌السلام» مطلق کسانی هستند که «علی علیه‌السلام» را دوست داشته و از شخص او پیروی می‌کنند چه امامت را برای جامعه بشری لازم بدانند یا ندانند.

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸، واژه «تشیع».

۲. مقایس اللغه، ج ۳، ص ۲۳۵، واژه «شیع».

و هرگاه لفظ «شیعه» به لفظ «امامیه» اضافه شود، یا با «الف لام» بکار رود مراد، آن دسته از پیروان «حضرت علی (علیه السلام)» خواهد بود که امامت را برای اداره جامعه بشری لازم می‌دانند و «امیرالمؤمنین (علیه السلام)» را از باب اینکه امام و رهبر لایق و شایسته خلق و منتخب بلا فصل از جانب خدا و رسولش بوده، به پیشوایی انتخاب می‌کنند و نفی خلافت از غیر ایشان می‌نماید. البته این لقب را پیامبرگرمی، در حال حیات خود به پیروان امیر مؤمنان عطا فرموده است. آنجا که با اشاره به علی ابن ابی طالب (علیه السلام) می‌فرماید:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ هَذَا وَشِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup>

سوگند به آن که جان من در دست او است، او (علی (علیه السلام)) و پیروان وی در روز رستاخیز، رستگاراند.

متأسفانه بعد از غصب خلافت توسط عمر، و ممنوعیت نقل حدیث که در اصل به جهت جلوگیری از نقل فضائل و عدم بیان حق خلافت علی بن ابی طالب (علیه السلام) وضع شده بود، و بعد از آن نیز بنی امیه با به قتل رساندن اصحاب راستین پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) باعث شد تا جامعه مسلمانان نسبت به امر خلافت و امامت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و امامان معصوم (علیهم السلام) بعد ایشان در غفلت بمانند ولی در عین حال برای کسی که تشنه حقیقت باشد کشف واقعیت و یافتن هدایت از طریق قرآن و حتی روایات اهل سنت امکان پذیر می‌باشد.

در طول تاریخ، شیعه به حب و موالات اهل بیت شناخته شده است، محبتی که وجوب آن مورد تأکید قرآن و اجماع امت اسلام می‌باشد «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «ان الله تبارك وتعالى اوجب عليكم حبنا ومولاتنا وفرض عليكم طاعتنا»<sup>۲</sup>.

۱. جلال‌الدین سیوطی، درالمنثور، ج ۶، در تفسیر آیه هفتم از سوره بینه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ».

۲. اختصاص شیخ مفید، ص ۲۴۱.

### صفات شیعیان در کلام اهل بیت علیهم السلام.

در کتاب شریف کافی جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می‌کند، او را بس است که از محبت ما خانواده دم زند؟ بخدا شیعه ما نیست، جز آنکه از خدا پروا کند و او را اطاعت نماید، ای جابر! ایشان شناخته نشوند، جز با فروتنی و خشوع و امانت و کثرت یاد خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و مراعات همسایگان فقیر و مستمند و قرضداران و یتیمان و راستی گفتار و تلاوت قرآن و بازداشتن زبان از مردم، جز از نیکی آنها، و آنها امانت نگهدار فامیل خویش باشند.

جابر گوید عرض کردم: یا ابن رسول الله! ما امروز کسی را دارای این صفات نمی‌شناسیم، فرمود: ای جابر! به راه‌های مختلف مرو، آیا برای مرد کافی است که بگوید، من علی را دوست دارم و از او پیروی می‌کنم، و با وجود این فعالیت دینی نکند؟! پس اگر بگوید: من رسول خدا صلی الله علیه و آله را دوست دارم - رسول خدا صلی الله علیه و آله که بهتر از علی علیه السلام است - سپس از رفتار او پیروی نکند و به سنتش عمل ننماید، محبتش به پیغمبر به او هیچ سودی ندهد، پس از خدا پروا کنید و برای آنچه نزد خداست عمل کنید، خدا با هیچکس خویشی ندارد، دوست ترین بندگان خدای عز و جل [او گرامی ترینشان نزد او] با تقواترین و مطیع‌ترین آنهاست.

ای جابر! به خدا جز با اطاعت به خدای تبارک و تعالی تقرب نمی‌توان جست. و همراه ما برات آزادی از دوزخ نیست و هیچ کس بر خدا حجت ندارد، هر که مطیع خدا باشد دوست ما و هر که نافرمانی خدا کند دشمن ماست، ولایت ما جز با عمل کردن و ورع ورزیدن بدست نیاید!

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «دوست محمد صلی الله علیه و آله کسی است که مطیع فرمان خدا باشد، هر چند از رحم او نباشد، و هر که خدا را معصیت کند دشمن محمد صلی الله علیه و آله است اگر چه خویشاوند نزدیک وی باشد!.

۱. کافی (ط، الإسلامیة)، ج ۲، ص ۷۵.

۲. نهج البلاغة (با تعلیقات صبحی صالح)، ص ۴۸۵.

خیثمه گوید: خدمت امام باقر (علیه السلام) رسیدم تا با او وداع کنم فرمود: ای خیثمه هر کس از دوستان ما را می بینی سلام رسان و آنها را به تقوای خدای بزرگ سفارش کن و اینکه توانگرشان بر فقیرشان توجه کند و قویشان بر ضعیف، و زنده آنها بر جنازه میتشان حاضر شوند و در منازل به ملاقات یک دیگر روند، زیرا ملاقات آنها با یک دیگر موجب زنده ساختن امر ماست، خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده دارد. ای خیثمه به دوستان ما پیغام ده که ما از طرف خدا آنها را جز به عملشان بی نیازی ندهیم و چاره سازی نکنیم، جز با ورع به دوستی ما نرسند و پرحسرت ترین مردم روز قیامت کسی است که عدالتی را بستاید و سپس بخلاف آن گراید (مانند کسی که به ولایت ائمه علیهم السلام تظاهر کند و از آنها پیروی ننماید یا عمل صالحی را بستاید و به آن عمل نکند).<sup>۱</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: شیعیان ما کسانی باشند که برای ولایت ما به یکدیگر بخشش کنند و در راه دوستی ما با یک دیگر دوستی نمایند و برای زنده کردن امر ما به دیدار یک دیگر روند، اگر خشم کنند ستم نکنند و اگر راضی باشند اسراف نورزند، برکت همسایگانند و با معاشرین خود سلم و صفا دارند.<sup>۲</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمود شیعیان علی تنها همان بردباران دانشمندان خشکیده لبند که رهبانیت و ترک دنیا بر رخسارشان هویدا است.<sup>۳</sup>

جابر گوید: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می کند، او را بس است که از محبت ما خانواده دم زند؟ به خدا شیعہ ما نیست، جز آنکه از خدا پروا کند و او را اطاعت نماید، ای جابر! ایشان شناخته نشوند، جز با فروتنی و خشوع و امانت و بسیاری یاد خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و مراعات همسایگان فقیر و مستمند و قرضداران و یتیمان و راستی گفتار و تلاوت قرآن و بازداشتن زبان از مردم، جز از نیکی آنها، و آنها امانت نگهدار فامیل خویش باشند.

۱. کافی (ط، الإسلامیة)، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲. کافی (ط، الإسلامیة)، ج ۲، ص ۲۳۷.

۳. کافی (ط، الإسلامیة)، ج ۲، ص ۲۳۶.

جابر گوید عرض کردم: یا ابن رسول الله! ما امروز کسی را دارای این صفات نمی‌شناسیم، فرمود: ای جابر! به راه‌های مختلف مرو، آیا برای مرد کافی است که بگوید، من علی را دوست دارم و از او پیروی می‌کنم، و با وجود این فعالیت دینی نکند؟! پس اگر بگوید: من رسول خدا | را دوست دارم - رسول خدا ﷺ که بهتر از علی (علیه السلام) است - سپس از رفتار او پیروی نکند و به سنتش عمل ننماید، محبتش به پیغمبر باو هیچ سودی ندهد، پس از خدا پروا کنید و برای آنچه نزد خداست عمل کنید، خدا با هیچکس خویشی ندارد، دوست‌ترین بندگان خدای عز و جل [و گرامی‌ترین‌شان نزد او] با تقواترین و مطیع‌ترین آنهاست.

ای جابر! به خدا جز با اطاعت به خدای تبارک و تعالی تقرب نمی‌توان جست. و همراه ما برات آزادی از دوزخ نیست و هیچ کس بر خدا حجت ندارد، هر که مطیع خدا باشد دوست ما و هر که نافرمانی خدا کند دشمن ماست، ولایت ما جز با عمل کردن به ورع بدست نیاید<sup>۱</sup>.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: روزی من و پدرم از خانه خارج شدیم، آنجا پدرم با عده‌ای از اصحاب ما بین قبر و منبر رسول الله ﷺ روبرو شد، نزدیک آنها شد و بر آنها سلام کرد، سپس فرمود: به خدا قسم من بوی شما و نفس شما را دوست دارم، ما را بر این محبت به وسیله پرهیزگاری و سعی و تلاش خود یاری کنید، و بدانید جز به پرهیزگاری و تلاش و کوشش کسی به ولایت و دوستی ما نرسد، هر گاه یکی از شماها اقتدای به بنده‌ای از بندگان خدا نمود باید مثل او عمل کند<sup>۲</sup>.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: شیعیان ما آنهایی هستند که هر گاه تنها باشند ذکر خدا بسیار کنند<sup>۳</sup>.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی بر شما واجب کرده دوستی ما را و پیروی ما را، و لازم کرده بر شماها فرمانبری از ما را آگاه باشید که هر که از ما است باید به دنبال ما باشد، و شان ما پارسائی و کوشش است، و ادای امانت

۱. کافی (ط، الإسلامية)، ج ۲، ص ۷۴.

۲. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، النص، ص ۹۳.

۳. کافی (ط، الإسلامية)، ج ۲، ص ۵۰۰.

به خوب و بد، و صلّه رحم، و مهمان نوازی، و گذشت از خطاکار، و هر کس پیرو ما نباشد از ما نباشد، فرمود: سفیه نباشید که امامان شما کار سفیهانه نکنند.<sup>۱</sup> یزید بن خلیفه گوید: امام صادق (علیه السلام) ما را موعظه فرمود و دستور داد و امر به زهد نمود سپس فرمود: بر شما باد بوع، زیرا بدان چه نزد خدا هست جز با ورع نتوان رسید.<sup>۲</sup>

چگونه کسی ادعای محبت و پیروی از اهل بیت کند ولی ورع تقوی نداشته و از دستورات آنها اطاعت نکند! (إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ يَحِبُّ مُطِيعٌ).

### علی (علیه السلام) و شیعیانش رستگارانند

روایاتی نقل شده<sup>۳</sup> که علی ابن ابی طالب و شیعیانش در روز قیامت رستگارانند و مورد مغفرت قرار می گیرند:

ابن عباس می گوید: هنگامی که آیه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ نازل شد، پیغمبر اکرم ﷺ به علی (علیه السلام) فرمود: منظور از این آیه تو و شیعیانت هستید که در روز قیامت وارد عرصه محشر می شوید در حالی که هم شما از خدا راضی و هم خدا از شما راضی است و دشمنت خشمگین وارد محشر می شود و به زور به جهنم می رود.<sup>۴</sup>

و نیز پیامبر ﷺ به امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: بدون شک شیعیانت با چهره درخشان بر منبرهایی از نور در اطراف من گرد آیند و من از آنها شفاعت می کنم و در بهشت همسایگان من خواهند بود.<sup>۵</sup>

جابر بن عبد الله انصاری گفت: نزد پیامبر خدا نشسته بودیم که علی بن ابی طالب (علیه السلام) آمد، پیامبر به او نگاه کرد و گفت: برادرم نزد شما آمد، سپس به سوی کعبه توجه نمود و گفت: سوگند به پروردگار این بنا که او و شیعیانش همان

۱. اختصاص شیخ مفید، ص ۲۴۱.

۲. اصول کافی، ج ۲، باب الورع، ص ۷۶.

۳. بحار الأنوار (ط، بیروت) / ج ۴۰ / ۷۶ / باب ۹۱ جوامع مناقبه صلوات الله علیه.

۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف ص ۲۲۱ ترجمه داود إلهامی، ایران قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ش.

۵. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف ص ۱۸۰ ترجمه داود إلهامی، ایران قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ش.

نجات یابندگان در روز قیامت هستند»<sup>۱</sup>.

محمد بن عبد الرحمن گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: شیعیان را سبک نشمارید، که هر یک از آنها به اندازه قبیله ربیع و مضر شفاعت می کنند»<sup>۲</sup>.

علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که آن جناب فرمود که رسول الله فرمود یا علی خوشا بحال کسی که ترا دوست دارد و تصدیق کند ترا و وای از برای کسی که ترا دشمن دارد و تکذیب کند ترا»<sup>۳</sup>.

محمد حنفیه از امیر المؤمنین علیه السلام از پیامبر نقل می کند: من خواب بودم که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد من آمدند و مرا بیدار نمودند و فرمودند: پدر و مادرم به فدایت، جبریل نزد من آمد و به من گفت: علی را بشرت ده که خداوند امامان پس از تو را در صلب و ی قرار داده و خداوند او و ذریه و شیعیانش را مورد مغفرت قرار می دهد»<sup>۴</sup>.

پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: تو یا علی در بهشتی و شیعیان تو و دوستان شیعیانت نیز در بهشتند و دشمنان تو و غالیان در جهنم اند»<sup>۵</sup>.

در کتاب بصائر آمده: عبد الله بن جندب از حضرت رضا علیه السلام نقل کرد امام علیه السلام در نامه ای به او نوشته بود که شیعیان ما اسم خود و پدرشان در نزد ما نوشته است خداوند میثاق و پیمان ما و آنها را گرفته هر جا ما وارد شدیم و هر جا داخل گردیدیم آنها نیز وارد می شوند بر ملت اسلام جز ما و آنها کسی نیست»<sup>۶</sup>. حمیری در قرب الاسناد به نقل از امام باقر علیه السلام می فرماید: شیعیان ما کسانی هستند که تابع ما باشند و مخالفت نوزند در هنگام آسودگی و اطمینان خاطر ما مطمئن باشند و در هنگام وحشت و ترس ما بیمناک، اینها شیعیان مایند»<sup>۷</sup>.

۱. ینابیع المودة، ص ۶۲.

۲. ینابیع المودة، ص ۲۵۷.

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱، ص ۲۶۱.

۴. ینابیع المودة، ص ۲۴۲.

۵. ینابیع المودة، ص ۱۰۹.

۶. بصائر الدرجات ص ۱۹۳.

۷. قرب الإسناد، حمیری، ص ۳۵۰.



برقی در محاسن به نقل از مسلم ثقفی از امام باقر (علیه السلام) از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: همانا در سمت راست عرش عده‌ای هستند با صورت‌های نورانی که بر منبرهای نورانی قرار گرفته‌اند، که انبیاء به آنها غبطه می‌خورند در حالی که آنها جزء انبیاء و شهدا نمی‌باشند عرض کردند یا رسول الله با چه عملی به این مقام رسیدند فرمود آنها شیعیان علی‌اند و علی امام آنهاست!

### جواز توسل از طریق شفاعت و رد نظر وهابیت

در جواز توسل به پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام به معنای درخواست شفاعت و ضرورت آن شکی نیست و همه‌ی مسلمانان بر این باورند و کسی مخالفتی نکرده است مگر فرقه وهابیت، مخالفت آنها نیز توطئه‌ای سیاسی و استعماری است. استعمار جهت جنگ و ضربه به دین اسلام، فرقه وهابیت را سازماندهی کرد تا با همه‌ی مسلمانان و بخصوص مذهب اهل بیت علیهم السلام بجنگند.

### اقسام توسل

۱. دعا و درخواست از خدای عزوجل به حق پیغمبر ﷺ و آلش و یا جایگاه آنان و شفاعت ائمه اطهار علیهم السلام یا قسم بر خدای عز و جل به ائمه اطهار علیهم السلام در زمان حیات آنها.
۲. دعا و درخواست از خدای عز و جل به حق پیغمبر ﷺ و آلش و یا جایگاه آنان و شفاعت ائمه اطهار علیهم السلام یا قسم بر خدای عز و جل به ائمه اطهار علیهم السلام بعد از وفات آنها.
۳. درخواست از آنها و توسل به آنها، به اینکه شفیع ما نزد خدا برای برطرف کردن حاجات و نیازهای ما در زمان حیاتشان باشند.
۴. درخواست از آنها و توسل به آنها، به اینکه شفیع ما نزد خدا برای برطرف کردن حاجات و نیازهای ما بعد از وفات خود باشند.

۵. درخواست و توسل به آنها در برآوردن حاجات ما با اعتقاد به اینکه ائمه علیهم السلام در اینکار در زمان حیات خود و بعد از آن مستقل هستند.
۶. درخواست و توسل به آنها در به جا آوردن نیازهای ما به همراه اعتقاد به اینکه آنها از طرف خدا بر این کار در زمان حیات و وفات خود اجازه داده شده‌اند.

### بررسی اقسام توسل

شکی در جواز توسل در چهار قسم اول نیست و ادله بسیاری در قرآن و روایات اهل بیت و نیز در کتب اهل عامه (اهل تسنن) موجود می‌باشد که ما به آیه‌ای از قرآن کریم برای اثبات این مطلب اکتفا می‌کنیم:

خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾<sup>۱</sup> یعنی هیچ پیغمبری نفرستادیم مگر که باذن خدا فرمانش برند، اگر آنها دمی که بخویش ستم کردند پیش تو آمده بودند و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر برایشان آمرزش خواسته بود، خدا را توبه پذیر می‌یافتند و رحیم.

این دستوری عام برای هر مسلمانی در هر زمانی است و دستوری مطلق چه زمان زندگانی پیامبر و چه بعد از وفات ایشان و تخصیص آن به زمان حیات ایشان، حکمی بی‌دلیل است. و آیه همه مسلمانان را در بر می‌گیرد چه در زمان حیات پیامبر یا بعد از وفات ایشان و مسلمانان به آن عمل کردند و فقهای همه مذاهب به آن فتوا داده و آن را در مناسک خود تدوین کردند!

حال آیا همه آنها در گمراهی بودند؟! چنانچه ابن تیمیه در قرن هشتم ظاهر شد و مدعی شد که همه مسلمانان به دلیل قصد زیارت پیامبر و توسل به ایشان، مشرک و کافرنند!!

حافظ مغربی از دانشمندان اهل سنت می‌گوید: این آیه عام است و شامل زمان حیات و وفات می‌باشد و تخصیص آن به یکی از آنها نیاز به دلیل دارد

که در اینجا وجود ندارد، و اگر گفته شود: چگونه عموم آیه فهمیده می‌شود که تخصیص آن به یکی از دو حالت حیات و وفات نیاز به دلیل داشته باشد؟ در جواب آن می‌گوییم: از آنجایی که فعل در سیاق شرط آمده؛ دلیل این قاعده در اصول مطرح می‌باشد، با این بیان که اگر فعل در سیاق شرط باشد، عام می‌باشد؛ چون فعل در معنای نکره می‌باشد به خاطر اینکه متضمن مصدر نکره است، و نکره در سیاق نفی یا شرط دلالت بر وضع بر عموم دارد<sup>۱</sup>.

علاوه بر اینکه مسلمان معمولی که جهاد کند و کشته شود، نزد پروردگار خود زنده است و روزی داده می‌شود به تصریح نص قرآن که خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ یعنی کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار، بلکه زنده اند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند<sup>۲</sup> با توجه به این مطلب چگونه پیامبر ﷺ را که بهترین آفریده‌ها است، مرده قرار می‌دهید که توسل ما را نمی‌شنود و توسل به او برای پروردگارش برای کسی سودی ندارد چون او نمی‌تواند برای شخص متوسل به او در نزد پروردگار دعایی کند؟! به چه دلیلی جایگاه پیامبر ﷺ را اینگونه پایین می‌آورید؟ به چه دلیلی از این همه احادیث شریف و صحیح و صریح در زنده بودن پیامبر ﷺ روی گردانی می‌کنید؟

قطعاً سلام و درود ما به او می‌رسد و او جواب سلام را به اهل آن می‌رساند، و قطعاً صلوات ما بر ایشان به او می‌رسد و اعمال و کارهای ما بر ایشان عرضه می‌شود. \* ابونعیم در دلائل النبوة از سعید بن مسیب نقل می‌کند که: در مسجد پیامبر اکرم ﷺ بودم و وقت نماز داخل نمی‌شد مگر اینکه صدای اذان را از داخل قبر می‌شنیدم<sup>۳</sup>.

\* و سعد در طبقات از سعید بن مسیب نقل می‌کند که او در ایام واقعه حره<sup>۴</sup> متصدی

۱. کتاب الرد المحکم المتین، ص ۴۴.

۲. آل عمران / ۱۶۹

۳. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۵۶۷.

۴. واقعه حره یکی از وقایع دردناکی است که در زمان یزید ملعون و به دستور او در مدینه منوره اتفاق افتاد.

مسجد بود و هنگامی که صبح می شد صدای اذان را از داخل قبر شریف می شنید.<sup>۱</sup>  
 \* زبیر بن بکار در اخبار المدینه از سعید بن مسیب نقل کرده است که می گوید: پیوسته صدای اذان و اقامه را از قبر پیامبر ﷺ در ایام الحره می شنیده است تا زمانی که مردم برگشتند.

ما قصد ارائه همه ادله اعم از روایات شریف و فتوای فقهای مذاهب بر زنده بودن پیامبر ﷺ نزد پروردگارش و شنیدن سلام و استغفار او برای ما و دعای او برای ما را نداریم، لذا به مقداری از آن که از اهل سنت است کفایت می کنیم: از جمله آن: آنچه در مجمع الزوائد در باب «آنچه از استغفار پیامبر ﷺ برای امتش بعد از وفاتش حاصل می شود» نقل کرده<sup>۲</sup> (وی تصریح می کند که رجال این روایات صحیح می باشند) از عبد الله بن مسعود از پیامبر ﷺ نقل شده است: خداوند دارای فرشته هایی است که در حال سیر هستند و سلام و درود را از طرف امتم به من می رسانند. و نیز نقل کرده: پیامبر ﷺ فرمود: حیات من برای شما بهتر است چرا که باهم سخن می گوئیم، و وفات من برای شما بهتر است، چرا که اعمال شما بر من عرضه می شوند که آنچه از کارهای خوب در آن بینم به خاطر آن ستایش خدا را به جا می آورم و آنچه از کار شر در آن بینم برای شما از خداوند طلب استغفار می کنم. «بزاز» نیز آن را نقل کرده و گفته که سند این روایت صحیح می باشد. و تعدادی از دانشمندان اهل سنت آن را تصحیح کردند و عدد تصحیح کننده های آن را «حافظ سقاف» در کتاب اغاثه<sup>۳</sup> آورده است.

از جمله ادله اینکه: اگر پیامبر ﷺ توسل متوسلین به او برای خدا را نمی شنود (همان گونه که وهابیت گمان می کنند) پس اینکه مسلمانان ایشان را در سلام نماز خود مخاطب قرار می دهند و می گویند: (السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته) کاری بیهوده و لغوی است!!!<sup>۴</sup>

۱. طبقات ابن سعد ۱۳۲/۵.

۲. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۴.

۳. اغاثه/ ص ۱۱.

۴. بعضی از وهابی ها (الالبانی) تلاش در فرار از این اشکال داشتند و صیغه سلام در نماز را از مخاطب به غایب تغییر دهند! و برای تصحیح کار خود به روایتی از ابن مسعود که مسلمانان به آن عمل نمی کنند تمسک کرده اند